

نگاه حوزه بغداد به راویان و آرای رجالی مدرسه حدیثی قم

علی رضا بهرامی*

سید علی رضا حسینی**

چکیده

شهرت رویکرد متفاوت دو مدرسه قم و بغداد در تعامل با حدیث و معارف نقلی و معیارهای ایشان در اعتبار سنجی روایات، ترسیم فضایی کاملاً متفاوت و متقابل را از این دو مدرسه در پی داشته است. این در حالی است که نگاه حوزه بغداد به قم برخاسته از وامداری و دفاع از راویان و پاسداشت مشایخ و محتوای میراث ایشان است. گرچه مدرسه بغداد نقدهایی به برخی شیوه‌های میراث پژوهی و آرای رجالی قم دارد، اما توصیفات بلند فهرست نگاران بزرگ شیعه نسبت به مشایخ و مصنفات قم و اعتماد بر طرق نقل میراث از قم، گویای اعتنای خاص بغداد به این مدرسه عظیم است.

کلید واژه‌ها: مدرسه حدیثی قم، مدرسه بغداد، راویان قمی، آرای رجالی قم.

درآمد

تطور اندیشه شیعه از دوره اهل بیت - علیهم السلام - و انتقال آن از کوفه تا قم و سپس بغداد با فراز و نشیب گوناگونی همراه بوده است. شرایط حاکم بر هریک از این دوره‌ها به رقم خوردن راه کارهای مختلفی در مواجهه با چالش‌های پیش رو انجامیده است. در این میان، حوزه قم با ویژگی‌های منحصر به فرد خود به اخذ و انتشار و تدوین حدیث پرداخته است. تعامل مدرسه بغداد با آرای قمی‌ها در مسائل مختلفی قابل بررسی است. رجالیان

* پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث.

** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

بغداد به عنوان اولین فهرست نگارانی که امروزه آثارشان در دسترس ماست، به نقد و بررسی آرا و اندیشه های رجالی مدرسه قم پرداخته اند. دوانگاره برای تقابل میان این دو حوزه مطرح شده است:

(۱) تقابل به جهت اختلاف در بحث خبر واحد

بحث از خبر واحد از مسائل ریشه دار اصول فقه شیعه است. خبر واحد به عنوان حاکی از سنت، نخستین مخالفان جدی خود را بزرگان بغداد می شناسد و شواهدی از کلمات سید مرتضی و شیخ طوسی برای آن آورده شده است. گرچه سردمداران مخالفت با خبر واحد معتزلیان معرفی شده اند،^۱ لکن برخی شیعیان مانند ابن قبه - که خود پیشینه ای معتزلی دارد^۲ - نیز در این زمره جای دارند.^۳ پی جویی مخالفت با خبر واحد نشان می دهد که این مسأله موجب تقابلی میان این دو حوزه نبوده و عدم پذیرش خبر واحد، راهبردی برای جدا نشان دادن مسیر انتقال معارف در شیعه با آنچه در میان اهل تسنن در حجیت بخشی به گفته غیر معصوم رواج داشته، بوده است.^۴ عبارات سید مرتضی در الذریعه و شیخ طوسی در العده نیز نشان می دهد اگر خبر از طریق امام معصوم و به واسطه راویان طایفه محققه منتقل شده باشد، پذیرفتنی است و همه مخالفت ها ناظر به رویه خطای مخالفان است.^۵

(۲) تقابل به جهت تساهل در پذیرش روایات

عقل گرایی و نص گرایی از جمله مباحث مهم کلام اسلامی است که ریشه در اختلاف بر سر شیوه برخورد با متون دینی دارد.^۶ برخی دیدگاه ها ضمن پیوند میان نص گرایی و اخباری گری، تساهل در پذیرش روایات را استمرار این شیوه می داند. نتیجه این نگاه آن است که گفته شود:

اخباریان به تک تک روایات نمی پردازند. از این روست که دانش رجال را قبول ندارند و با دلایلی آن را رد می کنند.^۷

۱. «حدیث ضعیف و چگونگی تعامل با آن بر پایه رویکرد قدما»، ص ۱۸-۳۵.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۷۵، ش ۱۰۲۳.

۳. معارج الاصول، ص ۱۴۲.

۴. نهایه الاصول، ص ۵۲۲.

۵. الذریعة الی اصول الشیعه، ج ۲، ص ۶۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۶. «عقل گرایی و نص گرایی در کلام اسلامی»، ص ۲۰۵ به بعد.

۷. درسنامه حوزه ها و مکاتب حدیثی، ص ۳۰-۳۱.

فارغ از این که نقطه ارتباط نص پژوهی شیعه با رجال و طرح خبر واحد کجاست، باید توجه داشت نص گرایی شیعی با نظام ثبت و انتقال حدیث، متفاوت از شیوه رایج در میان اهل سنت است که در آن عقل ستیزی و عقل گریزی معنایی ندارد. با همین توضیح، صدوق، نماد نص گرایی در قم، بحث و استدلال در رد منکران را نه تنها جایز، بلکه واجب می شمارد.^۸

این پژوهش در صدد رفع این گمانه است. رفتار بغدادیان در مواجهه با آرای مدرسه قم در قالب نقد و قبول ترسیم می شود. دفاع بغداد از برخی روایان مورد مناقشه در قم، با تأکید بر سلامت میراث ایشان، برخلاف نسبت ناروای تساهل به مدرسه قم، نشان از تلاش بغداد برای تقویت میراث حدیثی و توسعه آن دارد. در حوزه قبول نیز تعبیر فهرست نگاران گویای تأثیر انکارناپذیر مشایخ عمده قم در مدرسه بغداد و وام داری ایشان نسبت به تراث عظیم این مدرسه است. این نکته مخفی نیست که حوزه بغداد، به مقتضای شرایط حاکم بر آن و تعامل با جامعه غیر شیعی و فضای اعتزال، بیشتر رویکرد کلام نظری را پیش گرفته؛ اما از انصاف به دور است که این مدرسه را (لااقل در نقطه پیدایش) غریبه با میراث نقلی و بریده از مدرسه قم - که پرچم دار کلام نقلی به شمار می رود - بدانیم. دو محور اصلی تغذیه علمی بغداد توسط قمی ها و بلندای توصیف بزرگان قم از جانب رجالیان و فهرست نگاران بغدادی به همراه مخالفت با برخی تضعیفات ایشان به روشنی نشان می دهد: یکم. قم حوزه ای برخوردار از ضوابط خاص پذیرش، پالایش و نقد روایان و روایات بوده است؛ دوم. در این روند تساهل در ایشان راه نداشته است. این نوشتار بر پایه این دو محور، از رهگذر ترسیم نگاه حوزه بغداد به روایان و آرای رجالی محدثان قم، نظریه دفع شبهه پذیرش همراه با تساهل روایات توسط قمی ها از سویی، و شبهه فاصله داشتن مدرسه بغداد از میراث روایی و کم توجهی ایشان به آن از دیگر سو پرداخته است.

معیارهای اعتبار سنجی قم و بغداد

بی شک، مدرسه حدیثی قم به عنوان مرکز اصلی حدیث شیعه، پس از کوفه به شمار می رود. فضای ایجاد شده در این مدرسه به قدری مناسب شد که شخصیت هایی همچون ابراهیم بن هاشم و حسین بن سعید اهوازی بخش عظیمی از میراث حدیثی کوفیان را به این شهر منتقل کردند. علاوه بر آن، تلاش برای جذب روایان و اخذ کتب و

۸. «عقل گرایی و نص گرایی در کلام اسلامی»، ص ۲۱۹-۲۲۰.

روایات ایشان نیز در نزد محدثان قم دیده می‌شود.^۹

این حجم گسترده، به همراه فضای شیعی خالی از چالش‌های برون مذهبی، بزرگان حدیثی این شهر را به ساماندهی نظام خاص اعتبار سنجی روایات سوق داد. این نظام به دلایل گفته شده، حساسیت ویژه‌ای نسبت به جریان غلو و تضعیف گروهی از راویان بر پایه آن پدید آورد. این موضع بزرگان قم به معنای مخالفت با ایجاد جریانی در روند حدیث شیعه که مهم‌ترین آثار آن گرایش به اباحی‌گری است، قابل تعریف است و الا نقل فضایل و یا حتی معارف بالاتر از اصول پذیرفته شده جامعه، برخلاف رویه حاکم بر مدرسه کوفه، موجبات تضعیف را در پی نداشت. رصد میراث بزرگ‌ترین غلو ستیز قم، یعنی احمد اشعری و بازگشت او از تضعیف و اخراج متهمان به غلو در همین زمینه تفسیر می‌شود. نگارنده بر این باور است که اخراج بزرگانی همچون سهل بن زیاد و احمد برقی نمی‌تواند توجیهی به جز این داشته باشد؛ چرا که سهل بن زیاد در ری مورد وثوق و اعتماد کلینی واقع می‌شود و کتاب *النوادر* از طریق علی بن محمد علان کلینی به شیخ کلینی و سپس جعفر بن محمد بن قولویه و در نهایت شیخ مفید و نجاشی منتقل می‌شود.^{۱۰} نیز طبق گزارش طوسی، احمد برقی کتاب او را به سعد اشعری و حمیری و ایشان به ابن ولید منتقل می‌کنند.^{۱۱} در مورد احمد برقی نیز گونه برخورد اشعری در برگرداندن و عذرخواهی از او^{۱۲} و گزارش حجم عظیمی از میراث او (قریب به یکصد اثر از مجموعه محاسن و غیر آن) از طریق ثقاتی همچون حسین بن عبیدالله غضائری، ابوغالب زراری و علی بن حسین سعدآبادی در دو فهرست عمده شیعه^{۱۳} کافی می‌نماید.

در نقطه مقابل، مدرسه بغداد با میراثی تدوین شده مواجه است و تبیین اندیشه را بر عهده می‌گیرد. محیط حاکم بر این مدرسه، در ادوار میانی و پایانی آن، باعث می‌شود علاوه بر تکیه بر کلام نظری، گاه عدم توجه به میراث روایی در آثار کلامی ایشان انعکاس یابد. انکار برخی باورهای پذیرفته شده در کلام نقلی شیعه، باور تعامل متفاوت این مدرسه با احادیث و جمع میان اخبار گوناگون را در ذهن تقویت می‌کند.

با وجود این رویه، حوزه بغداد و به ویژه ابن غضائری و نجاشی با تکیه بر میراث پژوهی

۹. رک: *رجال النجاشی*، ص ۱۷، ش ۱۹، شرح حال ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی.

۱۰. همان، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.

۱۱. *فهرست الطوسی*، ص ۲۲۸، ش ۳۳۹.

۱۲. *رجال ابن الغضائری*، ج ۱، ص ۳۹.

۱۳. *رجال النجاشی*، ص ۷۶، ش ۱۸۲؛ *رجال الطوسی*، ص ۵۱-۵۴، ش ۶۵.

روایان به تکمیل حلقه راوی شناسی شیعه پرداخته‌اند. در این نوشتار، ضمن اشاره به دفاع ایشان از روایان به نگاه این حوزه به روایان و بزرگان مدرسه قم و آرای ایشان اشاره شده است.

دفاع از روایان تضعیف شده

مدرسه بغداد با دوروش به دفاع از برخی روایان تضعیف شده توسط قمی‌ها پرداخته است:

الف. جست و جودر آثار راوی

پذیرش این عده بر پایه نقد محتوایی میراث روایان انجام شده و تأکید راوی شناسان بغدادی بر این است که نکته‌ای دال بر تضعیف یاد شده، در مجموعه روایات او نیافته‌اند. نکته حایز اهمیت در این بین آن که، کسانی که توسط قمی‌ها تضعیف شده‌اند اصالت قمی ندارند. نتیجه این مطلب می‌تواند حاکی از تربیت خاص حاکم بر این مدرسه و حساسیت ویژه نسبت به روایان هجرت نموده به این شهر باشد. به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

۱. حسین بن یزید بن محمد بن عبدالملک نوفلی

او از جمله ادیبان و شاعران کوفی است که در ری سکنا گزیده و گروهی از قمی‌ها به او نسبت غلو در آخر عمرش داده‌اند. نجاشی بر این باور است که هیچ روایتی از او که نشان دهنده این مطلب در او باشد، نیافته است.^{۱۴}

۲. احمد بن حسین بن سعید اهوازی

او فرزند یکی از بزرگ‌ترین مبادی ورودی حدیث به قم به شمار می‌رود. نکته‌ای که باعث تأمل قمی‌ها نسبت به او شده، غلو بوده و احادیث مشوب به صحیح و سقیم معرفی شده است.^{۱۵} اما ابن غضائری بر این باور است که احادیثی از او که به دستش رسیده، از این اتهام مبرا است [و حدیثه فیما رأیته سالم].^{۱۶} با این وجود، علامه توقف در مورد روایات او را ترجیح می‌دهد.^{۱۷}

۱۴. رجال النجاشی، ص ۳۸، ش ۷۸.

۱۵. همان، ص ۷۷، ش ۱۸۳.

۱۶. رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۴۰.

۱۷. خلاصة الاقوال، ص ۲۰۲.

۳. محمد بن اورمه

داستان اتهام غالی بودن او و تصمیم قمی‌ها برای سوء قصد به جان‌ش در منابع نخستین آمده است. جدای از نکات مهمی که در پیوند با مسأله غلو و قاعده‌مند بودن مواجهه با غالیان وجود دارد، گزارش شیخ در فهرست نشان می‌دهد اندک تراش آمیخته با غلو او در تفسیر باطن - که به باور ابن غضایری، دیگران به نام او جعل کرده‌اند - نیز توسط خود قمی‌ها پالایش شده و سپس به بغداد انتقال یافته است. صحیح خواندن همه کتب او به جز تفسیر باطن از جانب نجاشی و پاکیزه دانستن احادیث وی در کلام ابن غضایری و نیافتن هیچ ایرادی که اضطراب شخصیت او را نتیجه دهد، نشانه‌های این دفاع به شمار می‌رود.^{۱۸} عبارت نجاشی در حق او که کتاب‌هایش را صحیح می‌خواند حاوی نکته مهمی است. وصف صحت نسبت به روایات احمد بن ادريس و یونس بن عبدالرحمن وارد شده است.^{۱۹} نیز در مورد کتب حسین بن عبیدالله سعدی و کتاب «یوم و لیلۃ» یونس این نسبت آمده است.^{۲۰} دو عبارت «صحیحة یعتمد علیها» و «صحیح ینبغی ان یعمل» پیوند محکم میان واژه صحت و ملازمت آن با پذیرش و عمل بر طبق مفاد آن را نشان می‌دهد. پس وصف صحت همراهی پذیرش و عمل را در خود نهفته دارد که نشان پذیرش کتب محمد بن اورمه است.

۴. حسین بن عبیدالله سعدی

نسبت سعدی بنا به تصریح سمعانی مربوط به نُه قبیله است که اصالتاً از قریش و بصره و کوفه هستند. مهاجرت گروه‌ها و بزرگانی از این قبایل به نیشابور و مرو و اندلس نیز ثبت شده است.^{۲۱} در میان راویان شیعی این نسبت گاه با نسبت کوفی نیز همراه شده است. شیخ در رجال و کشی نسبت قمی به وی می‌دهند.^{۲۲} او از جمله راویانی است که با وجود آن که خود قمی‌ها نیز در دوره استقامت وی احادیث وی را سماع کرده‌اند^{۲۳} و در دوره اخراج متهمان به غلو، با همین اتهام از قم اخراج شده است، اما در هر حال، به باور نجاشی کتاب‌هایی که احادیث آن صحیح خوانده شده از خود به

۱۸. رجال النجاشی، ص ۳۲۹، ش ۸۹۱؛ رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ش ۶۲۱؛ رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۹۳ - ۹۴.

۱۹. رجال الطوسی، ص ۶۴، ش ۸۱ و ص ۵۱۳، ش ۸۱۳.

۲۰. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷ - ۵۳۸، ش ۱۰۲۳.

۲۱. الانساب، ج ۳، ص ۲۵۵ - ۲۵۷.

۲۲. رجال الطوسی، ص ۳۸۶، ش ۵۶۸۲؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۲، ش ۹۹۰.

۲۳. رک: رجال النجاشی، ص ۶۱، ش ۱۴۱.

جا گذاشته است.^{۲۴}

۵. قاسم بن حسن بن علی بن یقطين

وی از جمله کسانی است که در قم سکنا گزیده و اصالت بغدادی دارد. گرچه نظر نجاشی نیز نسبت به او مثبت نیست و تضعیف ابن ولید در حق او را پذیرفته، و کشی نیز به دو گزارش از نامه احمد اشعری ورد احادیث تأویلی او پرداخته است؛ ولی ابن غضایری با وجود آن که احادیثش را «نعره و نکره» می خواند و اتهام قمی ها مبنی بر غلو او را نقل می کند، اما در نهایت و به عنوان قضاوت پایانی در باره او می گوید: «والاغلب علیه الخیر» که علامه این جمله را نشان از توثیق او از جانب ابن غضایری می شمرد.^{۲۵}

۶. علی بن محمد قاسانی

احمد بن محمد عیسی به جهت عقاید باطلی که از او شنیده، وی را تضعیف می کند، اما نجاشی او را راوی پر حدیث و فقیهی فاضل می خواند و بر این باور است در کتاب های او شاهی از این تضعیف یافت نمی شود.^{۲۶} این در حالی است که علامه به ضعف خواندن او اکتفا کرده است.^{۲۷} شیخ نیز او را گاهی ضعیف و در جای دیگری ثقه می خواند.^{۲۸} این تفاوت که برآمده از اختلاف در مصادر شیخ است، ابن داود و علامه را بر آن داشته که بر نسبت اضطراب دیدگاه به وی اصرار ورزند.^{۲۹}

ب. تثبیت شخصیت راوی

در مواردی راوی پژوهان بغدادی به دفاع و اعاده حیثیت برخی روایان در مقابل تضعیفات قمی ها پرداخته اند. این دفاع همراه با تصریح بر برجسته بودن شخصیت روایان است. این تقابل آرا به معنای دوگانگی معیارهای سنجش روایان نیست، بلکه نقد محتوایی اساس هر دو معیار به شمار می رود و تنها گستره و ضیق مفاهیم نزد دو مدرسه باعث پیدایش برخی اختلافات شده است تا جایی که در مواردی تصریح بر تأثیر پذیری

۲۴. همان، ص ۴۲، ش ۸۶؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۲، ش ۹۹۰.

۲۵. رجال النجاشی، ص ۳۱۶، ش ۸۶۵؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۷، ش ۹۹۴ و ۹۹۵؛ رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۸۷، ش ۱۱۵؛ حلی، ص ۲۴۸.

۲۶. رجال النجاشی، ص ۲۵۵، ش ۶۶۹.

۲۷. خلاصة الاقوال، ص ۲۳۲.

۲۸. رجال الطوسی، ص ۳۸۸، ش ۵۷۱۳ و ۵۷۱۴.

۲۹. رجال ابن داود، ص ۲۴۵، ش ۱۰۳۷؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۳۲.

گسترده بغدادی‌ها از مشایخ قمی به میان آمده است. این شیوه در ارزیابی شخصیت راویان به دو صورت انعکاس می‌یابد: یکی، تصریح بر وثاقت و تقابل با تضعیف قمی‌ها، و دیگری، تردید و رد جهت خاص تضعیف. شکل اول در مورد یونس بن عبدالرحمن به چشم می‌خورد. تصریح شیخ در کتاب رجال خود بر تضعیف و خرده‌گیری مشایخ قمی و در عین حال «ثقه» خواندن اوست. به نظر می‌رسد این تضعیف نیز همچنان که خواهد آمد، از جمله تضعیفات جهتی باشد که به زاویه‌ای از ابعاد شخصیت راوی اشاره دارد. ارجاع عبدالعزیز بن مهتدی به عنوان یکی از سرشناسان قم به وی و داود بن قاسم جعفری از اعظم بغداد و نیز حضور گسترده مشایخ مشهور قم، مانند حمیری، ابن بابویه، ابن ولید، صفار، محمد بن علی ماجیلویه و سعد بن عبدالله و علی بن ابراهیم و پدرش در مجموع پنج طریق نجاشی و شیخ به کتب او نمی‌تواند با تضعیف مطلق او سازگاری داشته باشد.^{۳۰}

این در حالی است که شکل دوم در باره راویان زیادی دیده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

(۱) محمد بن عیسی بن عبید

او از ثقات بغدادی است و در یکی از چهار طریق شیخ به کتاب‌ها و روایات یونس بن عبدالرحمن قرار دارد. ابن ولید متفردات محمد بن عیسی بن عبید از یونس را استثنا می‌کند و غیر قابل اعتماد می‌خواند. با وجود آن که مدرسه بغداد تأثیر پذیری شدیدی از استثناءات ابن ولید دارند و ابن نوح سیرافی با همه آنها موافق است، تنها در مورد محمد بن عیسی بن عبید مقاومت می‌کنند. نجاشی مخالفت اصحاب امامیه با این نظر را این گونه بیان می‌کند:

دیدم اصحاب ما این نظر را انکار می‌کنند و می‌گویند: «چه کسی مانند ابوجعفر (محمد بن عیسی) در مقام و منزلت است».^{۳۱}

نیز در نقد ابن ولید می‌گوید:

نمی‌دانم چه چیز او را به تردید انداخته چرا که وی (محمد بن عیسی بن عبید) بر ظاهری از عدالت و وثاقت قرار داشت.^{۳۲}

۳۰. رک: رجال النجاشی، ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۸؛ رجال الطوسی، ص ۳۴۶، ش ۵۱۶۷؛ ص ۳۶۸، ش ۵۴۷۸.

۳۱. رجال النجاشی، ص ۳۳۳.

۳۲. همان، ص ۳۴۸.

۲) نسبت وضع به محمد بن موسی الهمدانی

صدوق به تبع استادش ابن ولید، وی را متهم به وضع سه کتاب اصل زید نرسی و زید زراد و کتاب خالد بن عبدالله بن سدیر می‌کند و بر همین اساس، از روایت این سه کتاب اجتناب می‌ورزد؛ اما از آنجا که کتاب زید نرسی و زید زراد را ابن ابی عمیر نقل کرده، ابن غضایری قضاوت صدوق را اشتباه می‌خواند و نجاشی نیز با عبارت «والله أعلم» تردید خود را نسبت به دیدگاه ابن ولید ابراز می‌نماید.^{۳۳}

سایر قمی‌ها نیز موضع مانند صدوق دارند و روایات او را از کتاب «نوادرالحکمة» استثنا نموده‌اند.^{۳۴} از طرف دیگر، علامه مجلسی بر این باور است که دو کتاب زید نرسی و زید زراد، اگرچه توسط ارباب رجال توثیق نشده، اما اعتماد بزرگان حتی صدوق در معانی الاخبار و دیگر مصنفاتش، اعتماد و اخذ از این دو کتاب را آسان می‌سازد.^{۳۵}

گرچه از شخصیت محمد بن موسی دفاع نشده و حتی ابن غضایری او را ضعیف و راوی از ضعف می‌داند، اما آنچه از این عبارات به دست می‌آید، اعتماد بر سه کتاب یاد شده و نسبت اشتباه در برداشت به صدوق است. صدوق نیز به روایت ابن ابی عمیر - که مورد تصریح ابن غضایری و شیخ است - اعتماد می‌کند و حدیثی را از زید نرسی می‌آورد.^{۳۶} اگر به این نکته صحت طریق صدوق به ابن ابی عمیر را نیز اضافه کنیم،^{۳۷} برداشته شدن نسبت وضع از محمد بن موسی با تلاش ابن غضایری حاصل می‌شود، چراکه همان محتوای نقل شده توسط وی به نقل ابن ابی عمیر به اصحاب و حتی صدوق رسیده است. این نشان دهنده اعاده نسبی حیثیت از اوست که روایات او را در حد شاهد قابل پذیرش می‌نماید.^{۳۸}

۳) تعابیر منحصر به فرد در تعظیم مشایخ قم

وامداری حوزه بغداد نسبت به قم در ابعاد متعددی قابل تصویر است. این تأثیر پذیری از واسطه در انتقال میراث حدیثی و کتب اصحاب گرفته تا سمت استادی ایشان استمرار

۳۳. رجال النجاشی، ص ۳۳۸، ش ۹۰۴؛ فهرست الطوسی، ص ۱۷۴، ش ۲۶۹؛ ص ۲۰۱، ش ۲۹۹ و ۳۰۰؛ رجال ابن غضایری،

ج ۱، ص ۶۲، ش ۵۳.

۳۴. رجال ابن غضایری، ج ۱، ص ۹۵، ش ۱۳۶.

۳۵. بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۳.

۳۶. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۷.

۳۷. همان، ص ۴۶۰.

۳۸. رجال ابن غضایری، ج ۱، ص ۶۲، ش ۵۳.

دارد. این تأثیر عظیم - که غالباً با یک واسطه به نجاشی و طوسی منتهی می شود - تعابیر بلند و منحصر به فردی در توصیف شخصیت این بزرگان را در این منابع در پی داشته که از نقاط برجسته و قابل دقت در این پیوند به شمار می رود. مطالعه توصیف این بزرگان از جانب بغدادی ها علاوه بر ترسیم نگاه عمیق و وامداری ایشان نسبت به مدرسه قم و راویان آن، می تواند بخش عمده مسیر انتقال میراث حدیثی شیعه به بغداد را نیز روشن کند.

۱. احمد بن محمد بن عیسی

اعتماد نجاشی در نقل میراث عظیم حسین بن سعید براوست، و شیخ او را ثقه و شیخ القمیین و وجه و فقیه ایشان و اشعریان می داند که هیچ خرده ای بر او وارد نیست. جایگاه علمی و اجتماعی او در میان شیعیان، به تقویت جایگاه سیاسی او در نزد والیان نیز انجامیده است.^{۳۹}

۲. جعفر بن محمد بن قولویه

او از ثقات اصحاب امامیه و اجلای ایشان در حدیث و فقه معرفی شده و پدرش از بهترین اصحاب سعد بن عبدالله اشعری به شمار می رود. شیخ مفید بر جناب ابن قولویه قرائت داشته و از ایشان ره توشه علمی بسته است. در یک کلام، او بالاتر و برتر از هر وصف برجسته ای از وثاقت و برخورداری از حدیث اهل بیت است که در حق کسی قابل گفتن است. کتب فراوان او نزد مفید و ابن غضائری بوده و نجاشی بیشتر آنها را بر این دو استادش قرائت کرده است. طوسی نیز به روایات و فهرست کتب او طریق دارد. در میان سرشناسان بغداد تلعه کبری، مفید، ابن غضائری، ابن عبدون و ابن عزور از او کسب علم و نقل روایت کرده اند.^{۴۰}

۳. احمد بن اسحاق

او که از اصحاب امام جواد تا صاحب الامر - علیه السلام - است دارای منزلتی بلند و شیخ قمی ها به شمار می رود که فرستاده ایشان به خدمت امام بوده است. ایشان را از خواص امام عسکری علیه السلام بوده که توفیق زیارت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - را نیز به دست آورده است.^{۴۱}

۳۹. رجال النجاشی، ص ۵۸ و ۸۳، ش ۱۹۸؛ فهرست الطوسی، ص ۶۰، ش ۷۵؛ رجال الطوسی، ص ۳۵۱، ش ۵۱۹۷.

۴۰. رجال النجاشی، ص ۱۲۳، ش ۳۱۸؛ فهرست الطوسی، ص ۱۰۹؛ رجال الطوسی، ص ۴۱۸؛ خلاصة الاقوال، ص ۳۱.

۴۱. رجال النجاشی، ص ۹۱، ش ۲۲۵؛ فهرست الطوسی، ص ۶۳، ش ۸۷؛ رجال ابن داود، ص ۲۴، ش ۵۹؛ خلاصة الاقوال،

ص ۱۵، ش ۸.

۴. محمد بن حسن صفار

ایشان نیز از وجوه اصحاب قمی امامیه به شمار می‌رود که علاوه بر وثاقت، جایگاهی بزرگ در نزد اصحاب داشته و او روایاتش بر دیگران برتری داشته و سقط به ندرت در روایاتش اتفاق افتاده است. مجموعه طرق نجاشی و طوسی به کتب فراوان او - که حتی بیشتر از کتب حسین بن سعید خواننده شده - ابن ولید، صدوق، احمد بن محمد بن یحیی و پدرش و ابن ابی جید، یعنی طرق کاملاً قمی، بوده است.^{۴۲}

۵. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)

بلندای تعابیر نجاشی و طوسی در باره وی کم سابقه و نشان دهنده عمق تأثیر او در حوزه بغداد و پذیرش مطلق ایشان نسبت به شیخ صدوق است. نجاشی از او به «شیخنا و فقیهنا» تعبیر می‌کند که شیوخ طائفه امامیه هنگام ورود او به بغداد در سال ۳۵۵ ق - با وجود کمی سنش - به سماع حدیث از او و اخذ اجازه نقل کتبش پرداخته‌اند.^{۴۳} طوسی او را صاحب جلالت و حافظ احادیث و آگاه بر رجال می‌داند که در میان قمی‌ها ماندی در رتبه حفظ و علمش یافت نمی‌شود. تألیف بیش از سیصد اثر توسط او اعجاب فهرست‌نگاران بغداد را برمی‌انگیزد؛ به طوری که نجاشی همه آنها را روایت و برخی از آنها را برای پدرش قرائت کرده است. واسطه طوسی هم سه تن از اساتیدش یعنی شیخ مفید، ابن غضائری و ابن حسکه قمی بوده‌اند.^{۴۴}

۶. محمد بن احمد بن داود

او از جمله قمیانی است که در بغداد اقامت گزیده و در آنجا به القای حدیث و تألیف کتاب پرداخته است. وی شیخ الطائفه و سرآمد قمی‌ها و فقیه ایشان معرفی شده که در زمان خود کسی هم‌تراز او در حفظ، فقه و آشنایی با حدیث یافت نمی‌شد. ایشان نیز از جمله مشایخ مفید و ابن غضائری است که در طریق انتقال کتب بسیاری از اصحاب به بغداد حضور داشته است.^{۴۵}

۷. محمد بن ابی القاسم (ماجیلویه)

او که داماد و تربیت یافته احمد برقی است و به «سید من أصحابنا القمیین، ثقة، عالم،

۴۲. رجال النجاشی، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸؛ فهرست الطوسی، ص ۴۰۸، ش ۶۲۲.

۴۳. این انتقال گسترده به بغداد در مورد پدر ایشان نیز در سال ۳۲۸ ق یک سال پیش از وفاتش نیز افتاده است (رک: رجال النجاشی، ص ۲۶۲، ش ۴۶۸).

۴۴. رجال النجاشی، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹؛ فهرست الطوسی، ص ۴۴۲، ش ۷۱۰.

۴۵. رجال النجاشی، ص ۳۸۵، ش ۱۰۴۵.

فقیه، عارف بالأدب والشعر و الغریب» شناخته شده است.^{۴۶} فرزند وی علی نیز از بزرگان روایت به شمار می‌رود. او که از مشایخ صدوق، ابن ولید، محمد بن یحیی العطار و ابن بطه به شمار می‌رود، بخشی از میراث شیعه را از ابوسمینه گرفته و به ایشان منتقل کرده است.^{۴۷} نیز ابن ولید میراث حدیثی سلیم بن قیس^{۴۸} و حسن بن راشد مولی بنی العباس^{۴۹} و ابوسمینه^{۵۰} را از ایشان دریافت نموده است. این در حالی است که طرد جدی ابن غضائری در مورد کتاب سلیم^{۵۱} و شخصیت پرتنش ابوسمینه و ضعف روایات حسن بن راشد^{۵۲} فرآیند پالایش میراث ایشان مهم می‌نماید. مطالعه طرق موجود نشان می‌دهد این پالایش توسط ماجیلویه یا ابن ولید انجام شده، گرچه باور نگارنده بر آن است که حضور گسترده ماجیلویه در اخذ و انتقال میراث اصحاب از ابوسمینه، نقش او را پررنگ‌تر می‌کند. اهمیت نقش او در پالایش میراث غلو به اندازه‌ای است که روایات منتقل شده توسط او از این خط فکری خالی از تخلیط، غلو، تدلیس و منفردات معرفی شده و روایاتی که مفاد آن در سایر منابع اندیشه فکری شیعه یافت نمی‌شود، توسط وی از این مجموعه حذف شده است.^{۵۳} همین نقش برجسته دواثر مهم را به دنبال داشته است که یکی پذیرش این روایات توسط اعلامی که نام ایشان گذشت و دیگری تمجید فوق العاده از وی.

۸. عبدالله بن جعفر حمیری

او شیخ قمی‌ها و وجه ایشان معرفی شده است. او از جمله طبقات نخستین راویان قمی به شمار می‌رود که احادیث نزد خود را به کوفه انتقال داده است. وی در دهه پایانی

۴۶. همان، ص ۳۵۳، ش ۹۴۷.

۴۷. رک: رجال النجاشی، ص ۸، ش ۴، سلیم بن قیس و ص ۲۷، ش ۴۹، اسماعیل بن مهران و ص ۱۲۹، ش ۳۳۲، جابر بن یزید و ص ۱۳۶، ش ۳۴۹، حفص بن عاصم و ص ۱۶۵، ش ۴۳۴، ربیع بن زکریا و ص ۱۸۹، ش ۵۰۳، سلام بن عبدالله و ص ۴۳۶، ش ۱۱۷۱، هیثم بن واقد؛ فهرست الطوسی، ص ۳۴، ش ۴۰، اسماعیل بن ابان و ص ۲۳۱، ش ۳۴۶، سلیم بن قیس و ص ۳۴۶، ش ۵۴۷، عبیس بن هشام و ص ۴۰۶، ش ۶۱۹، محمد بن علی الهمدانی و ص ۴۰۷، ش ۶۲۰، محمد بن سنان.

۴۸. رجال النجاشی، ص ۸، ش ۴؛ فهرست الطوسی، ص ۲۳۱، ش ۳۴۶.

۴۹. فهرست الطوسی، ص ۱۳۷، ش ۲۰۰.

۵۰. رجال النجاشی، ص ۳۳۲، ش ۹۸۴.

۵۱. رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۶۳، ش ۵۵.

۵۲. ابن غضائری او را با وصف «ضعیف فی روایت» آورده است که نشان دهنده پذیرش شخصیت او علی رغم جهت خاص تضعیف محتوای روایاتش است (رک: رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۴۹، ش ۲۸).

۵۳. فهرست الطوسی، ص ۴۱۲، ش ۶۲۵.

قرن سوم وارد کوفه می شود و برای ایشان نقل حدیث می کند. کوفیان به صورت گسترده احادیث ایشان را شنیده و می پذیرند. نجاشی در شرح حال او به این گزارش پرداخته است.^{۵۴} حضور او در انتقال تراث گروه بزرگی از صاحبان آثار شیعه^{۵۵} گویای نقش پررنگ او در عرصه حدیث است. بی شک می توان او را حامل کتب قمی ها دانست که به دیگران منتقل کرده است.^{۵۶}

۹. محمد بن علی بن محبوب

او شیخ قمی ها در زمان خویش معرفی شده است که با تعبیری همچون «ثقة، عین، فقیه، صحیح المذهب» معرفی شده است. وی که از همطرازان صفار و ماجیلویه به شمار می رود، از اساتید محمد بن یحیی العطار و ابن بطه است که در طریق نقل آثار و روایات زیادی قرار گرفته است.^{۵۷}

۱۰. محمد بن حسن بن ولید (ابن ولید قمی)

او علاوه بر آن که شیخ قمی ها و فقیه و سرآمد و وجه ایشان معرفی شده، با عبارت «ثقة ثقة عین مسکون الیه» - که از جمله منحصر به فردترین واژگان توثیق و تعظیم راویان به شمار می رود - توصیف شده است.^{۵۸} فرزند او احمد، ابن ابی جید و شیخ صدوق حلقه کاملاً قمی اتصال فهرست نجاشی و طوسی به این شخصیت جلیل القدر و آگاه به رجال و فقه و مورد اطمینان به شمار می روند.^{۵۹}

۴) تضعیف راویان مورد پذیرش و نقد آرای رجالی قم

از جمله محورهای دیگری که در مطالعه منابع رجالی و فهرستی بغداد نظر پژوهشگر را به خود جلب می کند، نقد برخی آرای رجالی بزرگان این حوزه است که به تضعیف راویان مورد اعتنا و پذیرش حوزه قم و گاه تخطئه دیدگاه های قمی انجامیده است. در توضیح این مطلب توجه به مفهوم ضعف و بازخوانی مفاهیمی همچون غلو که تفصیل آن از عهده این نوشتار خارج است - ضروری به نظر می رسد. با تذکر این نکته - که انتساب ضعف به

۵۴. رجال النجاشی، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

۵۵. ۷۹ نفر در رجال النجاشی و هشتاد نفر در فهرست الطوسی.

۵۶. رجال الطوسی، ص ۴۴۱، ش ۶۱۰۲، شرح حال حسن بن عبد السلام.

۵۷. رجال النجاشی، ص ۳۴۹، ش ۹۴۰.

۵۸. همان، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۲.

۵۹. فهرست الطوسی، ص ۴۴۲، ش ۷۰۹؛ رجال ابن داود، ص ۳۰۴، ش ۱۳۱۹.

یک راوی همواره به معنای عدم پذیرش همه میراث حدیثی او نیست و این که واژه غلو طیف معنایی را در برمی گیرد - که هر در قم و بغداد به بخشی از آن نظارت دارند - به برخی موارد موجود در منابع نخستین که راویان مورد پذیرش قم و برخی آرای ایشان به بوته نقد کشیده شده اند، اشاره می کنیم.

۱. طرد روایات عبد الرحمن بن ابی حماد

او از کوفه به قم منتقل شده و در خانه احمد بن محمد بن خالد برقی سکنا گزیده است. گرچه قمی ها از وی نقل حدیث کرده اند، اما به جهت رهیافت غلو در میراث وی ضعیف خوانده شده و بنا به نظر نجاشی و ابن غضایری از درجه اعتنا و اعتماد ساقط گردیده است. بازخوانی میراث انعکاس یافته از او در منابع اولیه (کتب اربعه، المحاسن و البصائر) نشان می دهد تمام قمیانی که از او نقل حدیث کرده اند، از مشایخ مهم و عمده قم به شمار می روند. حجم اصلی روایات او را احمد برقی، ابراهیم بن هاشم و محمد بن عبد الجبار نقل کرده اند که از اعلام و ثقات برجسته قم به شمار می روند. در نقطه مقابل مشایخ بی واسطه او بیشتر ابراهیم بن عبد الحمید، زیاد بن مروان و حنان بن سدر هستند که هر سه از واقفیان به شمار می روند، اما تصریح شیخ بروثاقت ابراهیم و حنان^{۶۰} و تأکید مرحوم خویی بر کفایت شهادت ابن قولویه بروثاقت زیاد بن مروان - با وجود پذیرش ابن که وی از سران واقفه بوده و به خبث سریره مبتلا بوده است -^{۶۱} به انضمام این نکته که جریان وقف به جهت تمایز از جامعه شیعه پس از انحراف با عدم پذیرش مواجه شد و تأکید ابن داود بر پذیرش روایاتی از ایشان که از امام صادق علیه السلام نقل شده است - همان گونه که اکثر روایات حنان نیز این چنین است - این انگاره تقویت می شود که برخلاف گمان نجاشی و ابن غضایری در حقیقت، مشایخ سرشناس قم به پالایش و پیرایش احادیث او پرداخته اند و میراث قابل پذیرش وی را منتشر ساخته اند.^{۶۲}

۲. تضعیف جهتی ابن بطه قمی

او دارای منزلتی عظیم در قم بوده و ادب و فضل و علم او شناخته شده بوده است، اما به تساهل در حدیث و تعلیق اسانید بر اجازات و اشتباه در فهرست متهم شده است. ابن ولید نیز او را ضعیف و دچار خلط در اسناد کتب به صاحبانش منتسب می کند. توجه به

۶۰. فهرست الطوسی، ص ۱۷، ش ۱۲ و ص ۱۶۴، ش ۲۵۴.

۶۱. معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۱۹، ش ۴۸۰۱.

۶۲. رجال النجاشی، ص ۲۳۸، ش ۶۳۳؛ رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۸۱؛ رجال ابن داود، ص ۴۷۲، ش ۲۸۵.

ترجمه او در نجاشی نشان می‌دهد ابن نوح سیرافی (استاد نجاشی) کتاب *تفسیر اسماء الله تعالی و ما یدعی به وصفه* را - که از جمله تصنیفات اوست - کتابی نیکو، پراز مضامین منحصر به فرد و استوار می‌خواند. در نتیجه تضعیف او جهت و از بابت ضعف وی در فهرست‌نگاری خواهد بود، اما مضامین میراثی او قوی و قابل پذیرش خوانده شده است؛^{۶۳} یعنی ابن بطه را ملتزم به فرآیند پیرفته شده انتقال میراث اصحاب ملتزم نمی‌دانستند. توجه به گزارش‌های فوق نشان می‌دهد مدرسه قم نگاهی جامع به روایان داشته است و جهات مختلف ایشان را در قضاوت لحاظ می‌کردند. همین نکته تصریح ابن ولید بر خلط وی در اسانید به همراه بلندای جایگاه ابن بطه در میان قمی‌ها را توجیه می‌کند. اما یک نکته همچنان به قوت خود باقی می‌ماند؛ از آنجا که فهرست ابن بطه از منابع مهم نجاشی و خصوصاً منبع عمده طوسی بوده است، سؤال این است که اعتماد این دو فهرست‌نگار با وجود نسبت خلط و غلط در اسانید چگونه امکان پذیر است؟

۳. قمی خواندن امیه بن علی قیسی

وی را نجاشی شامی و ضعیف می‌داند.^{۶۴} ابن غضایری، علاوه بر آن که با عبارت «ضعیف الروایه، فی مذهبه ارتفاع» هر دو جنبه روایی و شخصیتی او را مخدوش می‌کند، او را در عداد قمی‌ها به حساب می‌آورد.^{۶۵} این در حالی است که رصد مشایخ و حتی شاگردان وی غیر از حسن بن علی زیتونی که نجاشی او را اشعری می‌خواند،^{۶۶} نشانی از مشایخ قمی نیست.^{۶۷} مطالعه شخصیت حسن بن علی بن ابی عثمان نیز نشان می‌دهد وی از جمله کوفیانی است که به ضعف و غلو متهم شده است و گویا علامه بدان جهت که برخی شاگردان وی، یعنی حسین بن عبیدالله سهل سعدی، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن احمد، حسن بن عبدالصمد اشعری، ابوعبدالله الجامورانی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب قمی‌اند، او را در زمره قمی‌ها خوانده است. اما عدد گسترده

۶۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۳، ش ۱۰۱۹.

۶۴. همان، ص ۱۰۵، ش ۲۶۴.

۶۵. رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۳۸، ش ۶.

۶۶. رجال النجاشی، ص ۶۲، ش ۱۴۳.

۶۷. توضیح آن که در میان مشایخ او در مصادر اصلی علی بن عطیه حنط، حسین بن عثمان احمسی رواسی، داوود بن کثیر، حماد بن عیسی، درست بن ابی منصور ابو هیثم سالم بن ابی حیه، سعدان بن مسلم و عبدالله بن مغیره دیده می‌شوند، نیز در میان شاگردان حضور احمد بن هلال عبرتایی اکثریت مطلق را به خود اختصاص داده است.

مشایخ عراقی او^{۶۸} و حضور برخی راویان کوفی در زمره شاگردانش از جمله محمد بن الحسین الصائغ الکوفی و حسن بن حسین لؤلؤی این انتساب را - ولو آن که به جهت تربیت علمی باشد - تضعیف می‌کند. تنها احتمالی که این گفته را موجه می‌کند، مقصود خاص از این لفظ و نماینده طرز تفکر خاص است، که پژوهشی مستقل می‌طلبد.

نکته

تذکر این نکته شایسته است که با وجود اختلافات یاد شده گاهی همنوایی و تأیید تضعیف مشایخ قم نسبت به راویان قمی در منابع فهرستی و رجالی بغداد دیده می‌شود. احمد بن محمد بن سیار از آن جمله است که ابن غضایری او را «ضعیف متهاک غال منحرف» می‌خواند و بزرگان قم نیز روایات او را از کتاب «نوادر الحکمة» استثناء کرده‌اند.^{۶۹} همچنین شخصیت و روایات سلمة بن خطاب براوستانی ضعیف خوانده شده است.^{۷۰}

۵) تحسین آثار قم

از نشانه‌های نگاه مثبت و برآمده از وامداری مدرسه بغداد به حوزه حدیثی قم توصیفات بلندی است که درباره آثار این مدرسه در نوشته‌های فهرستی انعکاس یافته است.

این انعکاس در دو قالب توصیف کثرت تألیفات برخی محدثان قم و تمجید از برخی آثار خاص این مدرسه قابل مشاهده است.

۱. تمجید فراوانی تألیف

نجاشی به یادکرد بیش از ۱۶۶ اثر صدوق شامل کتب، مجالس و مصابیح و نگاشته‌هایی او در زهد می‌پردازد.^{۷۱} همه این نگاشته‌ها در سفر او به بغداد منتقل شده و

۶۸. برخی از این مشایخ به قرار زیر هستند: صالح بن سهل الهمدانی، محمد بن عثمان، حسن بن علی بن ابی مغیره، محمد بن فضیل، علی بن مغیره، محمد بن ابی حمزه، ابن سنان، موسی بن بکر، حفص بن غیاث، عبدالکریم بن عبیدالله، محمد بن سلیمان دیلمی. روایات او نیز در این منابع منعکس شده است: *المحاسن*، ج ۲، ص ۵۱۹، ح ۷۲۱؛ *الکافی*، ج ۳، ص ۱۱۵، ح ۱۵۳۳؛ ج ۴، ص ۲۷۹، ح ۳۰۴۰؛ ج ۱۲، ص ۵۹۱، ح ۱۲۰۹۹؛ *کامل الزیارات*، ص ۸۰، ح ۳ و ۴؛ ص ۱۰۵، ح ۲؛ ص ۱۰۸، ح ۲؛ ص ۱۱۴، ح ۳؛ ص ۱۳۲، ح ۱؛ ص ۱۵۴، ح ۲؛ *امالی الصدوق*، ص ۱۴۱، ح ۱؛ ص ۲۴۴، ح ۱؛ *التوحید*، ص ۱۹۱، ح ۴؛ *نواب الاعمال*، ص ۱۲۹؛ *الخصال*، ج ۱، ص ۱۴۸ و ۲۲۵ و ۲۲۷ و ۲۲۹ و ۳۱۳؛ ج ۲، ص ۳۴۸ و ۴۳۴ و ۴۳۷؛ *عیون اخبار الرضا* (ع)، ص ۱۲۹، ح ۲۴؛ *معانی الاخبار*، ج ۲ و ۱۷۷ و ۳۶۵؛ *علل الشرائع*، ص ۹ و ۵۲۸؛ *التهذیب*، ج ۲، ص ۱۲۱؛ ج ۶، ص ۴۳؛ *مختصر البصائر*، ص ۷۵ و ۷۶ و ۱۱۹.

۶۹. *رجال ابن الغضائری*، ج ۱، ص ۴۰.

۷۰. *رجال النجاشی*، ص ۱۸۷، ش ۴۹۸؛ *رجال ابن الغضائری*، ج ۱، ص ۶۶، ش ۶۴.

۷۱. *رجال النجاشی*، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹.

اجازه نقل آن به علی بن احمد نجاشی (پدر نجاشی صاحب الفهرست) داده شده است. آثار احمد بن محمد بن دؤل قمی نیز بالغ بر صد اثر معرفی شده است.^{۷۲}

۲. تحسین برخی نگاشته‌های قمیان

در دو فهرست نجاشی و طوسی، توصیف خاص برخی آثار دیده می‌شود. در نگاه اول موضوع و نویسنده اثر حایز اهمیت و جایگاه ویژه خواهد بود.

در میان قمی‌ها و آثار ایشان «کتاب العباسی» و «کتاب الامثال» احمد بن اسماعیل سمکه این گونه هستند. «کتاب العباسی» بالغ بر ده هزار ورقه در احوال خلفا و دولت عباسی بوده است که نجاشی از آن به «کتاب عظیم» یاد می‌کند. خود وی بخش اخبار امین را دیده و آن را «حسن» می‌خواند. کتاب دیگر وی «الامثال» است که «حسن مستوفی» است.^{۷۳} توجه به عنوان دو کتاب - که یکی در تاریخ و دیگر ادبیات است - نشان از غنای مدرسه قم در ابعاد گوناگون و جای خالی چنین آثار و موضوعاتی در مدرسه بغداد است.

کتاب «تفسیر اسماء الله تعالی و ما یدعی به» نیز از جمله تألیفات محمد بن جعفر بن بطله است که در عبارتی منحصر به فرد توسط ابن نوح سیرافی به «حسن، کثیر الغریب، سدید» توصیف شده است.^{۷۴} موضوع کتاب - که در مهم‌ترین بخش مباحث توحیدی جای دارد - باعث می‌شود استاد نجاشی آن را کتابی نیکو، مشتمل بر مفاهیم برجسته و ناب و دارای انسجام و نظام وار معرفی کند.

شخصیت دیگری که مصنفاتی ستایش شده دارد، محمد بن احمد بن داود قمی است که طوسی دو کتاب «المزار» و «الذخائر» او را «حسن» معرفی می‌کند.^{۷۵}

۶) پذیرش استثنا و رد استثنائندگان

سه نفر از بزرگان قم به استثنای کتاب، راوی، روایت یا مفاهیم خاص در میراث برخی راویان پرداخته‌اند. ابن ولید و به تبع او صدوق، محمد بن علی ماجیلویه و صفار شخصیت‌هایی هستند که انعکاس استثنا ایشان در منابع فهرستی دیده می‌شود.

۲۴ نفر از راویان امامیه توسط ابن ولید از راویان *نوادیر الحکمه* نوشته محمد بن احمد بن یحیی استثنا شده‌اند.^{۷۶} دقت در شرح حال این راویان نشان می‌دهد، یکی از ایرادات زیر

۷۲. همان، ص ۸۹، ش ۲۲۳.

۷۳. همان، ص ۹۷، ش ۲۴۲؛ *فهرست الطوسی*، ص ۷۴، ش ۹۳.

۷۴. *رجال النجاشی*، ص ۳۷۲ - ۳۷۳، ش ۱۰۱۹.

۷۵. *فهرست الطوسی*، ص ۳۹۵ - ۳۹۶، ش ۶۰۴.

۷۶. *رجال النجاشی*، ص ۳۴۸، ش ۹۳۹؛ *فهرست الطوسی*، ص ۴۰۸ - ۴۱۱، ش ۶۳۳.

برایشان وارد است.

الف) ناشناخته بودن

این وضعیت در باره محمد بن هارون، ممویه بن معروف، عبدالله بن محمد شامی، محمد بن یحیی معاذی، عبدالله بن احمد رازی، ابوعلی نیشابوری و وهب بن منبه دیده می شود.^{۷۷}

ب) ضعیف بودن

این عبارت در باره برخی راویان آمده است. این راویان گاه به جهت شخصیت و گاه از حیث روایات یا بخشی از میراث تضعیف شده اند. در این بین، محمد بن موسی همدانی، ابو عبدالله رازی جامورانی، ابو عبدالله سیاری، محمد بن علی ابوسمینه، محمد بن عبدالله بن مهران، یوسف بن السخت و یوسف بن حارث با اتهامات عقیدتی چون غلو و فساد مذهب مواجه هستند.^{۷۸} ابویحیی واسطی و احمد بن بشیر ضعیف و غیر ثبت در امر حدیث خوانده شده اند. دو شخصیت دیگر این سیاهه، یعنی احمد بن هلال عبرتایی و احمد بن حسین بن سعید، با وجود آن که غالی معرفی شده اند، اما در میان تراثشان احادیث قابل پذیرش نیز قابل پی جویی است. عبارت «عرف و ینکر» گویای همین نکته است.^{۷۹} نفی کلی نجاشی در باره سهل بن زیاد آدمی از همه شدیدتر است و او غیر معتمد در حدیث خوانده شده که احمد اشعری بر غلو و کذب او شهادت داده است.^{۸۰، ۸۱}

این گزارش در باره محمد بن عیسی بن عبید و حسن بن حسین لؤلؤی به گونه دیگری است؛ چه آن که تنها روایات با اسناد منقطع محمد بن عیسی و منفردات یا متفردات لؤلؤی پذیرفته نشده است. مشکل محمد بن عیسی روایات متفرد از یونس و سن کم برای روایت از ابن محبوب است^{۸۲} که دفاع نجاشی از او گذشت. حسن بن حسین لؤلؤی نیز اگر

۷۷. رک: رجال الطوسی، ص ۴۳۸، ش ۶۲۶۵ و ۶۲۶۶؛ ص ۴۰۱، ش ۵۸؛ ص ۴۰۲، ش ۵۸۵۹؛ ص ۴۳۳، ش ۶۲۰۲؛

ص ۴۵۱، ش ۶۴۱۳؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۰۹، ش ۱۳۱۹۷.

۷۸. رک: رجال النجاشی، ص ۸۰، ص ۹۲؛ ص ۳۳۸، ش ۹۰۴؛ ص ۳۳۳، ش ۸۹۴؛ ص ۳۵۰، ش ۹۴۲؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۱۰۳، ش ۱۵۷؛ ص ۳۹۰، ش ۷۳۳. رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۹۷، ش ۱۴۵.

۷۹. رک: رجال النجاشی، ص ۸۳، ش ۱۹۹؛ ص ۷۷، ش ۱۸۳؛ فهرست الطوسی، ص ۸۳، ش ۱۰۷؛ ص ۵۵، ش ۶۷.

۸۰. رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.

۸۱. پی جویی پدیده اخراج در قم و چرایی و پیامدهای آن از جمله مباحث مهمی است که پژوهش های مستقلی می طلبد. برای اطلاع از انعکاس برداشت های گوناگون از این جریان گزارش مرحوم خویی در شرح حال سهل گویای مباحث مهمی است (معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۳۷ - ۳۵۳، ش ۵۶۲۹).

۸۲. رجال النجاشی، ص ۳۳۳، ش ۸۹۶.

چه کوفی ثقه خوانده شده، اما طریقی به آثار او ثبت نشده است.^{۸۳} نکته پایانی تعارض توثیق نجاشی نسبت به جعفر بن محمد بن مالک با توثیق طوسی است.^{۸۴} مرحوم خویی در قضاوت میان این دو نظر، عدم امکان حکم به وثاقت او را نتیجه می‌گیرد.^{۸۵} دو گونه دیگر استثنا نیز مورد توجه قرار گرفته است: یکی استثنای مفهوم غلو و تخلیط در میراث - که در باره احمد بن محمد سیاری و محمد بن حسن بن جمهور توسط محمد بن یحیی و ابن ولید اتفاق افتاده^{۸۶} و دیگری استثنای یک حدیث از مجموعه روایات علی بن ابراهیم بن هاشم که گویا توسط ماجیلویه و ابن ولید صورت گرفته است.^{۸۷} گفتنی آن که در باره استثنای کتاب *البصائر* نمی‌توان این کتاب را در زمره رد استثنا شدگان درج نمود؛ چه آن که گرچه ابن ولید این کتاب را نقل کرده است، اما برقراری طریق به آن به واسطه محمد بن یحیی نشان از اعتنای نجاشی به دریافت این کتاب است.^{۸۸، ۸۹}

۷) اعتماد بر طرق قمی در دسترسی به آثار

مشایخ قم مسیر مهم انتقال تراث روایی شیعه به بغداد به شمار می‌رود. گرچه مطالعه دقیق و کامل طرق آثار و میزان حضور و تأثیر مشایخ قم در آن، از حوصله چنین نوشتار مختصری خارج است، لکن اشاره کوتاهی به برخی آثار و اندکی از مؤلفان برجسته امامی ضروری به نظر می‌رسد.

تصریح نجاشی بر اختصار در یادکرد طرق انتقال کتب^{۹۰} و مشی بر طبق آن^{۹۱} قضاوت را منحصر به گزارش‌ها موجود می‌کند. شاید همین نکته وجود حجم بیشتری از طرق و روایان قمی در *فهرست الطوسی* را تقویت می‌کند. بخش قابل توجهی از میراث موجود در قم توسط

۸۳. همان، ص ۴۰، ش ۸۳.

۸۴. همان، ص ۱۲۲، ش ۳۱۳؛ *رجال الطوسی*، ص ۴۱۸، ش ۶۰۳۷.

۸۵. *معجم رجال الحدیث*، ج ۴، ص ۱۱۷-۱۱۸، ش ۲۲۷۹.

۸۶. *رجال النجاشی*، ص ۸۰، ش ۱۹۲؛ *رجال الطوسی*، ص ۴۱۳، ش ۶۲۷.

۸۷. *رجال الطوسی*، ص ۲۶۷، ش ۳۸۰.

۸۸. *رجال النجاشی*، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸.

۸۹. بحث در باره عدم نقل *البصائر* توسط ابن ولید مفصل است و باور نگارنده بر آن است که با وجود در اختیار بودن کتاب، عدم ملاحظه و بررسی تمامی آن باعث شده ایشان از نقل کتاب اجتناب کنند.

۹۰. *رجال النجاشی*، ص ۳ [ذکرت لرجل طریقاً حتی لا یکثر الطرق، فیخرج عن الغرض].

۹۱. همان، ص ۱۱۶، ش ۲۹۷، شرح حال ثابت بن شریح؛ ص ۲۳۰-۲۳۱، عبید الله علی حلبی؛ ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶، شرح حال معاویه بن عمار.

صدوق و احمد بن محمد بن یحیی العطار منتقل شده است. در نگاهی گذرا به برخی راویان برجسته مثل حریز بن عبدالله، معاویه بن عمار، احمد بن محمد بن ابی نصر بنظی، جمیل بن دراج، محمد بن ابی عمیر، عبیدالله بن علی حلبی و برادرش محمد و نیز هشام بن حکم حضور راویان قمی مشهود است.^{۹۲} بخشی از این طرق از صدوق آغاز و به واسطه مشایخش همچون پدرش و این ولید به طبقه سعد، حمیری و صفار می‌رسد و توسط احمد اشعری و محمد بن حسین بن ابی الخطاب به راویان کوفی می‌رسد. بخش دیگری نیز از احمد بن محمد بن یحیی آغاز می‌شود و راهی شبیه قبل را طی می‌کند. نیز مسیر علی بن ابراهیم و پدرش در فرآیند انتقال به چشم می‌خورد.

نقل همه کتب و روایات برخی از اصحاب امامیه از دیگر امتیازات مشایخ قم به شمار می‌رود. صدوق همه تراث حسن بن محبوب، حسن بن علی فضال، سعد بن عبدالله، محمد بن ابی عمیر، صفار [به جز البصائر] و یونس بن عبدالرحمن را در فرآیند انتقال به طوسی می‌رساند. نیز ابن بطه میراث محمد بن احمد بن یحیی و ابن ابی جید میراث محمد بن علی بن محبوب را به شیخ منتقل کرده‌اند.^{۹۳}

نتیجه

پرداخت گسترده مدرسه بغداد به علوم عقلی و گاه تفسیر روایات با شیوه عقل‌گرای حاکم بر آن ضوابط خاصی برای این الگو تعریف می‌کند. بر اساس این تعریف و با تحلیلی پسینی، مدرسه حدیثی قم به تساهل در تعامل و پذیرش روایات متهم شده است. قم به عنوان حلقه وسط میان کوفه (نقطه پیدایش) و بغداد (مرکز تحلیل و تضارب آرای امامیه و مخالفان) به پالایش و تدوین و تبویب احادیث پرداخته است. مطالعه منابع فهرستی و طرق انتقال آن به مدرسه بغداد نشان می‌دهد:

۱. نقد محتوایی میراث برخی راویان که فضای قم ایشان را برنتافته، مهر تأییدی بر شخصیت و میراثشان را به دنبال دارد.

۹۲. رک: رجال النجاشی، ص ۱۴۴، ش ۳۷۵؛ ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶؛ ص ۷۵، ش ۱۸۰؛ ص ۱۲۶، ش ۳۲۸؛ ص ۳۲۶، ش ۸۸۷؛

فهرست الطوسی، ص ۱۶۲، ش ۲۴۹؛ ص ۴۶۲، ش ۷۳۷؛ ص ۵۰، ش ۶۳؛ ص ۴۰۴، ش ۶۱۸؛ ص ۱۲۳، ش ۱۶۴؛ ص ۳۰۵، ش ۴۶۷؛ ص ۳۸۵، ش ۵۸۸؛ ص ۴۹۳-۴۹۵، ش ۷۸۳.

۹۳. فهرست الطوسی، ص ۱۲۳، ش ۱۶۲؛ ص ۱۲۴، ش ۱۶۴؛ ص ۲۱۶، ش ۳۱۶؛ ص ۴۰۵، ش ۶۱۸؛ ص ۴۰۸، ش ۶۲۲؛ ص ۴۱۰، ش ۶۲۳؛ ص ۴۱۳، ش ۶۲۴؛ ص ۵۱۲، ش ۸۱۳.

۲. تعابیر منحصر به فرد در تعظیم مشایخ قم - که استاد بی واسطه یا با واسطه اندک بزرگان بغداد بوده اند - نشان دهنده وامداری بغداد نسبت به قم است.
۳. گرچه همه آرای رجالی قم مورد تأیید بغداد نیست، اما تحسین برخی آثار و تسلیم در برابر برخی آرای مانند استثنا گویای تأثیر قوی مدرسه قم بر بغداد است.
۴. حضور گسترده مشایخ قم در طرق مهم بغداد از نقش فعال ایشان در فرآیند میراث پژوهی شیعه دارد.

کتابنامه

- *اختیار معرفة الرجال*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: میرداماد، قم: آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۴ق.
- *الامالی*، شیخ صدوق محمد بن علی بابویه، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش، ششم.
- *الانساب*، عبد الکریم بن محمد سمعانی، تحقیق: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۸ق، اول.
- *بصائر الدرجات*، محمد بن حسن صفار، تحقیق: میرزا حسن کوچه باغی، تهران: اعلمی، ۱۴۰۴ق.
- *التوحید*، شیخ صدوق محمد بن علی بابویه، تحقیق: سید هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
- *تهذیب الاحکام*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- *ثواب الاعمال*، شیخ صدوق محمد بن علی بابویه، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ق، دوم.
- *الخصال*، شیخ صدوق محمد بن علی بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- *خلاصة الأقوال*، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
- *درسنامه حوزه ها و مکاتب حدیثی*، مهدی مهریزی، دانشکده مجازی علوم حدیث، ۱۳۸۷ش.
- *الذریعة الى اصول الشیعه*، علی بن حسین سید مرتضی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
- *رجال ابن داوود*، ابن داوود حلی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- *رجال الطوسی*، محمد بن حسن طوسی، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- *العدة فی اصول الفقه*، محمد بن حسن طوسی، قم: ستاره، ۱۴۱۷ق.

- *علل الشرايع*، شيخ صدوق محمد بن علي بابويه، قم: كتابفروشي داوري، ۱۳۸۵ ش، اول.
- *عيون اخبار الرضا* عليه السلام، شيخ صدوق محمد بن علي بابويه، تحقيق: مهدي لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق، اول.
- *فهرست مصنفی رجال الشيعه معروف به رجال النجاشی*، احمد بن علي نجاشی، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ ق.
- *الفهرست*، محمد بن حسن طوسی، نجف: المكتبة المرتضوية.
- *كتاب الضعفاء معروف به رجال ابن غضائری*، احمد بن حسين ابن غضائری، قم: اسماعيليان، ۱۳۶۴ ق.
- *المحاسن*، أحمد بن محمد بن خالد برقي، تصحيح و تعليق: سيد جلال الدين حسيني، تهران: دارالكتب الإسلامية، ۱۳۷۰ ق.
- *مختصر البصائر*، حسن بن سليمان بن محمد حلي، تحقيق: مشتاق مظفر، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۲۱ ق، اول.
- *معارج الاصول*، جعفر بن حسن حلي، تحقيق: محمد حسين رضوی، قم: آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۳ ق، اول.
- *معانی الاخبار*، شيخ صدوق محمد بن علي بابويه، تحقيق: علي اكبر غفاری، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ ق، اول.
- *معجم رجال الحديث*، سيد ابوالقاسم خویی، قم: مركز نشر آثار شيعه.
- *من لا يحضره الفقيه*، شيخ صدوق محمد بن علي بابويه، تصحيح: علي اكبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ ق، چاپ دوم.
- *نهاية الاصول*، محمد حسين بروجردی، تقرير: حسين علي منتظري، قم: تفكر، ۱۴۱۵ ق.
- «حديث ضعيف و چگونگی تعامل با آن بر پایه رويکرد قدما»، حسين پوری، امين، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، بهمن ۱۳۸۵ ش.
- «عقل گرایی و نص گرایی در کلام اسلامی»، محمد تقی سبجانی، *نقد و نظر*، شماره ۳ و ۴، ص ۲۰۵ - ۲۳۲.